مؤلفه «وقوع و نزول ملائکه» در شب قدر، رادع نوعی بودن لیلة القدر

نکته‌ی دیگری که برای شخصی و نوعی هست، این است: حتی در خود لیلة القدر می‌گویی‌م آن چه که ما از لیلة القدر در ادله شرعیه می‌دانیم این است که شب بیست و سوم فقط یک زمان نیست که شما بگویی‌د نوعی است و دو شب می‌شود. آن چه که ادله شرعیه می‌گوید وقوع یک امر در شب لیلة القدر است. وقوع امر که نمی‌تواند نوعی باشد. وقوع، شخصی است. «تَنَزَّلُ الْمَلَـٰئِكَةُ وَالرُّ فِيهَا»[1]؛ در شب قدر یک امر واقع می‌شود که آن نزول ملائکه است. اگر نزول ملائکه بخواهد نوعی باشد، به چه معنا است؟ یعنی برای کاشان که بدون تلسکوپ دیدند، ملائکه دیشب نازل شدند، برای قم که نتوانستند ببینند، فردایش نازل شدند! ذهن این را نمی‌پذیرد. پس در نظرتان این باشد. در تضعیف معنای شخصیت و نوعیت، می‌گویی‌م سر و کار لیلة القدر با وقوع حوادث است، و وقوع حوادث برای کل کره، نوعیت پذیر نیست.

شاگرد: این اشکال را می‌توان با ظاهری و واقعی جواب داد؟ یعنی بگویی‌م عید فطر ما امسال است و برای اروپا ظاهراً فردا است. ولی درواقع ما یک عید فطر داری‌م.

استاد: اگر ما در ظاهر گیر افتاده‌ای‌م و می‌گویی‌م ظاهراً، خُب باید بیشتر فکرش کنی‌م و آن را حل کنی‌م.

شاگرد: راه دیگری ندارید.

استاد: راه دیگری ندارید ای من، همانی است که دیروز من عرض کردم. دیروز گفتم احساس من طلبه این است که هنوز در این فضای بحث ما خلأ تحقیق دارید. یعنی هنوز یک چیزهایی هست که اگر روی مبادی آن فکر کنی‌م و رفت‌وبرگشت کنی‌م، چه بسا این‌طور نباشد که سریع بگویی‌م چراهای ندارید. کما این‌که ایشان فرمودند. فرمودند ما اصل این مطلب را قبول دارید ولی چون چراهای از نسبیت ندارید، چرا به‌دنبال شما بیایی‌م؟! به‌دنبال همانی می‌رویم که سیره مسلمانان بود. حال ببینی‌م چراهای دارید ای ندارید.

شاگرد: با نکته ظاهری و واقعی نمی‌توانی‌م استظهار ایشان را در کنی‌م و بگویی‌م حرف شما باعث این نکته عجیب شده، بلکه عید فطر ظاهراً در دو سرزمین فرق دارد اما درواقع یکی است. یعنی جواب آیت‌الله سیستانی را با این حرف‌مان کنار نمی‌گذاری‌م.

استاد: ببینید در جمع بین ظاهری و واقعی بحثی بود؛ چون بحث شما سر حرف دیگری می‌رود مطالبی که می‌خواهم عرض کنم می‌مانند. اشاره وار عرض می‌کنم؛ شما باید جمع کنید. ظاهری که قطع

دارید خلاف واقعی است، چه ظاهری است؟!

شاگرد: نمیدانیم کدام یک از آنها مطابق با واقع است.

استاد: الآن باید فرمایش شما را بررسی کنیم؛ اگر ناچار شدیم خُب در فرمایش شما حرفی ندارم. اما اگر با مبادای که کم کم عرض میکنم می بینیم که ناچار نیستیم... .

---

[1] القدر ۴

بازبینی #1
ایجاد شده 4 مه 2026 12:41:08 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 مه 2026 12:41:42 توسط ... .